

مراسم‌های اول ماه مه و پس‌رفت‌هایی که باید ریشه‌یابی شوند

طبقه کارگر ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر رفت که طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، فاجعه‌بارترین شرایط اقتصادی و معیشتی و دشوارترین شرایط اجتماعی را بر کارگران و خانواده‌های کارگری تحمیل نموده است.

تورم افسار گسیخته، گرانی سرسام‌آور و بی‌سابقه کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران، دستمزدهایی که به یک چهارم خط فقر نمی‌رسند، فقر و فلاکت فوق‌العاده‌ای را بر کارگران تحمیل نموده و روزگار میلیون‌ها تن را به تباهی کشانده است. اخراج‌های پی در پی و بی‌کارسازی‌های گسترده که رقم بیکاران را به بالای هشت میلیون رسانده است، قراردادهای موقت، سفید امضا و پیمانی، کمترین ضمانت شغلی برای کارگران شاغل باقی نگذاشته و چماق اخراج و بی‌کاری چون اختاپوسی دهشتناک، زندگی کارگران و خانواده‌های کارگری را فوق‌العاده بی‌ثبات و بی‌آینده ساخته و آن را در لایه ضحیمی از استرس و اضطراب شبانه روزی فروبرده است. افزون بر این فشارها، سرکوب و آزار و فشارهای دستگاه امنیتی علیه کارگران، علیه فعالان کارگری و اعضای خانواده آن‌ها و تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری نیز به مراتب افزایش یافته است. بسیاری از کارگران پیشرو و رهبران کارگری اخراج شده و در زندان‌ها یا بیرون از زندان، دائماً تحت فشار و تعقیب و پی‌گرد قرار دارند. کارگران ایران همچنان از تشکل‌های طبقاتی خود محروم‌اند و آن دسته از تشکل‌هایی که در طی یک دهه اخیر و در جریان رشد جنبش کارگری بوجود آمده‌اند، از همه سو تحت فشار هستند. ارتجاع حاکم همپای سرکوب مستقیم و بیرحمانه کارگران پیشرو و تشکل‌های کارگری و فعالان کارگری، به انواع تلاش‌های ردیابانه برای داغان کردن و از هم پاشاندن این تشکل‌ها متوسل شده است. طبقه حاکم، استثمار و بی‌حقوقی و انواع فشار علیه کارگران را به نحو بی‌سابقه‌ای تشدید نموده است. در آستانه اول ماه مه، دستگاه سرکوب و پلیسی رژیم، ده‌ها کارگر پیشرو و فعال کارگری را احضار و بازداشت نمود و یا آن‌ها را مورد تهدید قرار داد که در فکر برگزاری مراسم اول ماه مه نباشند و در چنین مراسم‌هایی شرکت نکنند. احضار و بازداشت و تهدید که پیش از اول ماه مه تشدید گشته بود، پس از آن نیز ادامه یافته است.

علی‌رغم این شرایط سخت و فوق‌العاده دشواری که تأثیرات زیان‌بخش و مستقیمی بر مبارزات کارگری و برگزاری مراسم‌های اول ماه مه بر جای می‌گذارد، اما کارگران ایران باز هم با شور و علاقه به استقبال روز جهانی کارگر شناختند و هرچند در ابعاد محدودتر و در اندازه‌های کوچک‌تر از سه چهارسال گذشته، در اشکال مختلفی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و همبستگی طبقاتی خویش را با کارگران جهان و مبارزه آن‌ها علیه نظم موجود، اعلام نمودند.

مراسم‌های اول ماه مه

در تهران مؤثرترین و برجسته‌ترین مراسم بزرگداشت اول ماه مه، توسط سندیکای کارگران شرکت واحد برگزار شد. روز چهارشنبه یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، به‌رغم فشارها و تهدیدات دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم و به‌رغم عواقبی که این حرکت می‌توانست برای فعالان سندیکا در پی داشته باشد، در اولین ساعات کاری در جمع همکاران خود حضور یافتند تا با پخش شیرینی در میان آن‌ها، روز کارگر را گرامی بدارند. اما این اقدام اعضای سندیکا، با مخالفت شدید کارفرما و عوامل حراست روبرو گردید. آنان به قصد ارباب کارگران و ایزوله ساختن فعالان سندیکا، پیوسته از این فعالان عکس و فیلم تهیه می‌کردند، اما این ترفند نه فقط نتوانست مانع پیوستن کارگران به جمع فعالان سندیکا شود، بلکه کارگران به گرمی از نمایندگان واقعی خود استقبال کردند و با صرف شیرینی و گفتگو در مورد مسائل کارگری، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، در ادامه این اقدام ابتکاری، در چندین پایانه اتوبوس‌رانی و در جمع کارگران حضور یافتند و ضمن دیدار و گفتگو با کارگران، روز کارگر را گرامی داشتند و بالاخره با حضور در پایانه آزادی که یکی از بزرگترین پایانه‌های اتوبوس‌رانی تهران است، با استقبال گرم و پر شور و تجمع رانندگان و همکاران خود مواجه شدند. کارگران شرکت واحد با انجام راهپیمایی در محل پایانه آزادی، خواستار آزادی رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد شدند و با حمل پلاکارد بزرگی که اول ماه مه را از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد تبریک گفته بود، مراسم روز جهانی کارگر را برگزار نمودند. اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در ادامه اقدام ابتکاری و جالب خود به دیدار کودکان کار رفتند و مورد استقبال این کودکان و مسئولین "جمعیت کودکان کار" قرار گرفتند و باپخش شیرینی و سرودخوانی به مناسبت اول ماه مه، این روز را گرامی داشتند.

در تهران مراسم دیگری نیز به ابتکار هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفری در شکل تجمع اعتراضی در برابر مجلس برگزار گردید. در این تجمع، ده‌ها تن از کارگران شاغل و بازنشسته از کارخانه‌های مختلف از جمله ایران خودرو، کیمیدارو، کشتی‌سازی، پارس الکترونیک، مینو، صنایع فلزی، لاستیک البرز، پتروشیمی و برخی دیگر از کارخانه‌ها

برگزار گردید. اجتماع کنندگان با در دست داشتن پارچه نوشته‌هایی که بر آن اختلاف فاحش خط فقر و حداقل دستمزدها و نیز شعارهایی در گرامی‌داشت اول ماه مه و اتحاد کارگران نوشته شده بود، نسبت به مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزدها اعتراض نموده خواستار لغو این مصوبه و افزایش دستمزدها بر پایه نرخ تورم واقعی و سید هزینه کارگری شدند. همچنین یک روز قبل از اول ماه مه بیش از هزار تن از کارگران شرکت‌های زیر مجموعه صدرای بوشهر با خواست پرداخت سه ماه دستمزد معوقه، لغو قراردادهای پیمانی و انعقاد قرارداد مستقیم به صورت یکپارچه دست از کار کشیدند. تهدیدات و فشارهای کارفرما و عوامل آن برای شکستن اعتصاب به جانی نرسید و اعتصاب، روز یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر نیز ادامه یافت. کارگران اعتصابی نسبت به ساعات کار، فشار کار و عدم ایمنی محیط کار و نیز عدم پرداخت به موقع دستمزدها اعتراض نموده خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. این کارگران همزمان با اعتصاب یکپارچه خود، بیانیه کوتاهی نیز به مناسبت روز جهانی کارگر انتشار دادند که در آن ضمن گرامی‌داشت اول ماه مه، بر همبستگی و هم‌صدائی کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌داران و برای تحقق مطالبات کارگری تأکید شده است. کارگران پارس جنوبی نیز به مناسبت اول ماه مه مراسمی در بندر سیرف برگزار نمودند. در این مراسم در مورد روز جهانی کارگر سخن‌رانی شد و کارگران در مورد مشکلات و مطالبات خود به بحث و گفتگو پرداختند. این مراسم با جشن و پایکوبی خاتمه یافت.

در کردستان نیز به‌رغم احضار و تهدید و بازداشت بسیاری از فعالان کارگری، در پاره‌ای از شهرهای این استان نیز مراسم‌هایی به مناسبت اول ماه مه برگزار شد. در سنندج با وجود شرایط فوق‌العاده پلیسی و امنیتی و حضور چشمگیر نیروهای سرکوب در داخل شهر، صدها تن از کارگران و مردم آزادی‌خواه این شهر، روز چهارشنبه یازده اردیبهشت، با تجمع در میدان غفور، مراسم اول ماه مه را گرامی داشتند. این مراسم که از طرف جمعی از کارگران سنندج فراخوان داده شده بود، ابتدا قرار بود در خیابان فردوسی برگزار شود اما از آنجا که این محل از ساعات اولیه روز به اشغال نیروهای سرکوب و ضد شورش درآمده بود، سازماندهندگان مراسم توانستند به موقع کارگران را به سمت میدان غفور هدایت کنند و مراسم اول ماه مه را با برافراشتن پرچم‌ها و پارچه نوشته‌های سرخ و سر دادن شعارهایی چون "کارگر تشکل تشکل"، "نان مسکن آزادی" و "کارگر زندانی آزاد باید گردد" مراسم خود را برگزار نمایند. مراسم اول ماه مه در سنندج مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت که شماری از شرکت کنندگان در مراسم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و شمار دیگری نیز بازداشت شدند.

در سنندج مراسم دیگری نیز در محل سندیکای کارگران خباز این شهر و با حضور نزدیک به صد نفر از کارگران خباز برگزار گردید. در این مراسم، علاوه بر قرائت مقاله‌ای در مورد تاریخچه اول ماه مه، در مورد مشکلات کارگران به ویژه مشکل مسکن نیز بحث و گفتگو به عمل آمد. قطعنامه کارگران خباز سنندج و مریوان به مناسبت اول ماه مه نیز قرائت شد که مورد تشویق و استقبال کارگران قرار گرفت. در این مراسم همچنین بر همبستگی و اتحاد کارگران تأکید شد و با اهدای شاخه گل به برخی از کارگران خباز مراسم به پایان رسید.

در سقز نیز دو مراسم جداگانه به مناسبت اول ماه مه برگزار شد. در شهر سقز به‌رغم تهدید فعالان کارگری که اگر روز یازده اردیبهشت از خانه خارج شوند توسط نیروهای امنیتی دستگیر می‌شوند، اما جمعی از فعالان کارگری این شهر در این روز به طرف پارک کودک و سپس در حالیکه توسط مزدوران امنیتی رژیم تعقیب می‌شدند، به سمت میدان آزادی و میدان هلو دست به راهپیمائی زدند. یکی از مزدوران لباس شخصی به محمود صالحی فعال کارگری حمله‌ور شد که مورد خشم و اعتراض کارگران و همراهان وی قرار گرفت. محمود صالحی در سخنان کوتاهی که در میدان هلو ایراد کرد، به افساء اقدامات سرکوب‌گرانه نیروهای امنیتی پرداخت. او گفت "اذیت و آزار مأموران تنها به این دلیل است که ما کارگر هستیم و می‌خواهیم روز جهانی کارگر را برگزار کنیم".

بعد از ظهر روز یازده اردیبهشت مراسم دیگری نیز در سقز در پنج کیلومتری این شهر در محلی به نام "کانی جشنی" برگزار گردید. این مراسم که جمعی از کارگران و فعالان کارگری در آن حضور داشتند در حالی برگزار گردید که مأمورین رژیم این محل را به محاصره در آورده و برگزار کنندگان مراسم را با دوربین کنترل می‌کردند. در پایه جمعی از فعالان کارگری و اعضای کمیته هماهنگی همراه با تنی چند از کارگران در مراکز کارگری و در میان کارگران خبازی‌ها، کارگران رفت‌گر، کارگران برق، کارگران سد داریان و کارگران ساختمانی حضور یافتند و ضمن گفتگو پیرامون مسائل کارگری و پخش شیرینی در میان کارگران، روز کارگر را گرامی داشتند. در کامیاران نیز روز یازده اردیبهشت به همت یک کمیته برگزار کننده، مراسم اول ماه مه در بیرون از شهر برگزار گردید. در این مراسم پیرامون تاریخچه اول ماه مه، کار کودکان و مسائل و مشکلات کارگری بحث و گفتگو به عمل آمد. مراسم با شعر خوانی و اجرای سرود ادامه یافت و با پخش شیرینی در میان شادی شرکت کنندگان به پایان رسید. در مریوان نیز جمعی از فعالان کارگری این شهر روز یازده اردیبهشت، با حضور در میان کارگران ساختمانی، کارگران خبازی‌های داخل شهر و کارگران کوره‌های آجرپزی، ضمن گفتگو با کارگران و پخش شیرینی، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

زندان‌ها: امسال نیز مانند سال گذشته و حتی پر شورتر و گسترده‌تر از سال گذشته، بخش دیگری از مراسم‌های اول ماه مه در زندان‌ها برگزار شد. رژیم سرمایه‌داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی، فعالان کارگری و کارگران آگاه و پیشرو را بازداشت و زندانی و علیه آن‌ها پرونده سازی می‌کند تا هرگونه تحرک و تلاش سازمان‌گرا را از آن‌ها سلب و راه هرگونه فعالیتی را به روی آن‌ها مسدود کند. اما کارگران آگاه و پیشرو حتی از درون سیاه‌چال‌های رژیم و در زیر شکنجه و سرنیزه به فعالیت آگاه‌گرا و سازمان‌گرا و لو در چاردیواری زندان ادامه می‌دهند و بر همبستگی خود و کل کارگران ایران با کارگران در سرتاسر جهان تأکید می‌ورزند. کارگران زندانی که در اساس جزء نمایندگان واقعی کارگران ایران هستند، به شیوه‌ها و اشکال مختلفی از صدور اطلاعیه و بیانیه گرفته تا برگزاری مراسم، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر و روز اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر جهانی علیه ستم و استثمار و نابرابری را گرامی داشتند. در **زندان اوین** بند ۳۰۵ مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد که با اجرای نمایش، سرودخوانی و سخنرانی همراه بود. رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در این مراسم به سخنرانی پرداخت. رضا شهابی ضمن موضع‌گیری علیه سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد و همچنین دولت‌های "اصلاحات" و سازندگی، کارگران را به اتحاد و همبستگی و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری دعوت کرد. در همین رابطه از طرف "جمعی از زندانیان کارگری و چپ زندان اوین" بیانیه مفصلی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر انتشار یافت که در آن ضمن افشای ماهیت سیاست‌های دولت، جناح‌ها و بازی‌های انتخاباتی حکومت، بر اتحاد و تشکل و استقلال طبقاتی کارگران تأکید و از خواست‌ها و مبارزات کارگران قویاً حمایت شده است. در **زندان گوهردشت** کرج (رجائی شهر) نیز روز یازده اردیبهشت، به همت شاهرخ زمانی کارگر زندانی و دیگر زندانیان سیاسی، مراسمی با حضور نزدیک به هشتاد زندانی در سالن ۱۲ این زندان برگزار گردید. در این مراسم مطالبی در مورد مبارزات طبقه کارگر، وضعیت کنونی طبقه کارگر، جانباختگان طبقه کارگر، تاریخچه اول ماه مه و تاریخ جنبش کارگری ایران و نیز وضعیت معلمان قرائت شد. این مراسم با شعرخوانی و اجرای سرودهای انقلابی همراه بود. یک زندانی نامه‌ای را از زبان پدرش که کارگر کارخانه فولاد اهواز و خطاب به طبقه کارگر نوشته بود قرائت کرد که مورد استقبال قرار گرفت. همچنین دو پلاکارد ویژه اول ماه مه تهیه شده بود که روی آن‌ها نوشته شده بود "کارگران جز زنجیرهای اسارت‌شان چیزی برای از دست دادن ندارند" و "کارگران جهان متحد شوید!"

در **زندان مرکزی تبریز**، بند کار-درمانی* نیز مراسمی به مناسبت اول ماه مه برگزار شد. محمد جراحی کارگر زندانی، با ارسال پیامی از این بند، روز کارگر را به کارگران و فعالان کارگری منجمله رفقای دربند خود شاهرخ زمانی و رضا شهابی تبریک گفت. این مراسم با پخش شیرینی در میان زندانیان همراه بود. زندانیان سیاسی **زندان مرکزی زاهدان** نیز با صدور بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی کارگر این روز را به کارگران تبریک گفته و خواستار آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شدند.

مطالبات کارگری در اول ماه مه

مطالبات کارگری در اول ماه مه اساساً مطالباتی بودند که در اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی که از سوی تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری منتشر شد، انعکاس یافت. در این اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها صرف‌نظر از تأکید بر همبستگی طبقاتی کارگران در برابر سرمایه‌داران، اگر از جزئیات یا موارد خاصی که فرضاً می‌تواند مطالبه یک بخش خاص و معینی از کارگران باشد و مطالبه بخش دیگری از کارگران نباشد، اما تا آنجا که به خواست‌های عمومی کارگران برمی‌گردد، این مطالبات مشتمل بر یک رشته خواست‌های سیاسی و اقتصادی به قرار زیر بودند. آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، آزادی تشکل، اعتصاب، راهپیمایی، آزادی بیان، رفع محدودیت از سندیکاها و تشکل‌های کارگری، لغو قوانین تبعیض‌آمیز و محدودیت اشتغال زنان، پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر زن و مرد، برخورداری کارگران مهاجر از حقوق کامل شهروندی، حذف لایحه اصلاح قانون کار از دستورکار مجلس، لغو مصوبه شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد، افزایش دستمزد متناسب با نرخ واقعی تورم و تأمین نیازهای یک خانوار کارگری در حد استانداردهای امروز، پرداخت به موقع دستمزدها، امنیت و تضمین شغلی، منع اخراج‌ها و بازگشت به کار کارگران اخراجی، تأمین بیمه‌های اجتماعی، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و پیمانی، انعقاد قرارداد مستقیم و استخدام رسمی. علی‌رغم وجود مطالبات مشترک زیادی که در قطعنامه‌های منفرد و مجزای انتشار یافته انعکاس یافت اما هیچ‌گونه بیانیه یا قطعنامه مشترکی از سوی این تشکل‌ها انتشار نیافت. علاوه بر انتشار بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی که از سوی برخی از کارگران پیشرو و فعالان کارگری منجمله رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، علی‌نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، شاهرخ زمانی عضو کمیته پی‌گیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، پدram نصرالهی عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و برخی دیگر از فعالان کارگری انتشار یافت، برخی از تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری نیز بیانیه‌ها و قطعنامه‌های مجزائی به مناسبت اول ماه مه انتشار دادند. سندیکای کارگران شرکت واحد بیانیه مجزائی در هفت بند انتشار داد. کانون مدافعان حقوق کارگر، قطعنامه‌ای

در ۲۰ بند انتشار داد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری قطعنامه‌ای در ۱۲ بند انتشار داد و اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز بیانیه مجزائی انتشار داد. در کردستان نیز تقریباً همین وضعیت حاکم بود. کارگران سندج قطعنامه‌ای در یازده بند انتشار دادند. جمعی از کارگران محلات این شهر بیانیه مجزائی دادند. خبازان سندج و مریوان نیز بیانیه‌ای در ۱۰ ماده انتشار دادند.

به عبارت دیگر در سال ۹۲، نه فقط از کمیته‌های مشترک فراخوان دهنده و برگزار کننده مراسم‌های اول ماه مه و اتحاد عمل در این روز اثری نبود، بلکه حتی در زمینه صدور بیانیه و قطعنامه مشترک نیز مراسم اول ماه مه نسبت به سال‌های گذشته دچار پسرفت شد. تنها در یک مورد بیانیه مشترکی با امضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دو تشکل دیگر انتشار یافت. از آنجا که در این بیانیه مشترک نکات بی‌ربطی در مورد "حکومت طبقه کارگر" مطرح گشته و در عین حال اطلاعات نادقیق و غلطی به خوانندگان داده شده است، همچنین تنظیم کننده (گان) بیانیه سعی کرده‌اند مطالبات و افق دید طبقه کارگر را به حد و حدود آن چیزهایی که خانه کارگر رژیم جمهوری اسلامی می‌گوید تنزل دهند در اینجا اختصاراً با آن می‌پردازیم.

نگاهی به بیانیه مشترک سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دو تشکل دیگر

دهم اردیبهشت ۹۲ بیانیه‌ای با عنوان "صدائی که طنین انداز است و خاموش نمی‌شود" انتشار یافت که امضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، "هیأت بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران و حومه" و "سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران و حومه" پای آن قرار گرفته است. در این بیانیه که به مناسبت روز جهانی کارگر صادر شده، علی‌رغم آنکه بر همبستگی و اتحاد کارگران تأکید شده و به روال اینگونه بیانیه‌ها پاره‌ای از مطالبات کارگری نیز مانند آزادی داشتن سندیکا، آزادی مطبوعات و اعتصاب، آزادی راهپیمائی و امثال آن اشاره و حتی از ایستادگی کارگران در برابر حملات سرمایه‌داران سخن گفته می‌شود، اما ناگهان به ذکر مطالب بی‌ارتباطی با اول ماه مه و به کلی بیگانه با اهداف طبقه کارگر و مغایر منافع طبقاتی کارگران می‌پردازد. این بیانیه اگر چه تنها در یکی دو سایت اینترنتی درج شده و بازتاب محدودی داشت، اما بهت و حیرت هر فعال کارگری و هر فعال سیاسی که آن را دید، در پی داشت! بیانیه به طرح برخی نکات و موضع‌گیری‌هایی می‌پردازد که لااقل در تاریخ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و مواضع آن به کلی بی‌سابقه است. همین موضوع، نفس وجود امضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پای این بیانیه را قویاً زیر سؤال برده و صحت آن را به تشکیک انداخته است. در بیانیه مشترک آمده است: "در کوبا، ویتنام، قبرس حکومت‌ها در دست طبقه کارگر است. در اکثر کشورهای اروپائی مانند فرانسه، آلمان، انگلیس، سوئیس، سوئد، فنلاند، روسیه و کشورهای آمریکای جنوبی مانند نیکاراگوئه، پرو، برزیل، ونزوئلا و آفریقای جنوبی، کارگران در مجلس و در حکومت دارای وکیل و وزیر هستند. در دو سال اخیر فدراسیون سندیکاهای کارگری ث ژت فرانسه توانسته است اکثر نهادهای مردمی از جمله شوراهای و شهرداری را تصاحب کند و در برابر خواسته‌های سرمایه‌داری کشورش نه تنها ایستادگی، بلکه آن‌ها را در جهت اعمال سیاست‌های ضد کارگری به عقب‌نشینی وادار کند" [تأکیدها از ماست]

این خطابه بلند بالا در تحریف حکومت طبقه کارگر و تمجید غرّاً از نظام سرمایه‌داری در جای جای جهان آنهم درست در بیانیه اول ماه مه، که روز اتحاد و مبارزه کارگران علیه نظام سرمایه‌داری و روز تجلی اراده واحد طبقه کارگر جهانی برای برافکندن از بیخ و بن چنین نظمی در سراسر جهان است، تنها و تنها می‌تواند از روی ناآگاهی و یا از زبان یک کارگزار سرمایه که می‌کوشد ذهن کارگران را فاسد و آن‌ها را با نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی دمساز کند، بیان شده باشد. اولاً به تنظیم کنندگان بیانیه باید یادآوری کرد که نه در کوبا و نه در ویتنام حکومت‌ها در دست طبقه کارگر نیست. این درست است که در این کشورها انقلاباتی صورت گرفت و کارگران و زحمتکشانشان در آن نقش زیادی داشتند و اقداماتی نیز به سود آن‌ها به مرحله اجرا درآمد، اما این انقلابات از مسیر خود خارج و با شکست روبرو گردید. زمانی می‌توان گفت حکومت در دست طبقه کارگر است که ابتکار عمل در دست خود کارگران باشد و طبقه کارگر از طریق ارگان‌هایی که کارگران ایجاد کرده‌اند حاکمیت مستقیم خود را اعمال کند. همه مقامات و مسئولین حکومتی توسط همین ارگان‌ها انتخاب شوند و هر آینه قصوری در کار این مسئولین و منتخبین کارگران ایجاد شود، آن‌ها بتوانند وی را عزل و فرد دیگری را به جای وی انتخاب کنند. جایی که حکومت در دست طبقه کارگر باشد، آنجا تمامی امتیازات و مزایای معمول مقامات عالی‌رتبه به همراه خود این مقامات نیز برچیده شده است. جایی که حکومت در دست طبقه کارگر باشد آنجا ارتش دائمی برچیده شده و کارگران مسلح و متشکل در ارگان‌های سیاسی مانند شوراهای آن را گرفته است. آنجا یک دموکراسی وسیع و شورائی وجود دارد، تمام نهادهای بوروکراتیک برچیده شده و اداره امور کشور تماماً در دست خود کارگران است. قدرت سیاسی در دست نهاد‌های سیاسی توده‌ای کارگران و در دست طبقه کارگر است که برای نابودی تام و تمام استثمار فرد از فرد تلاش و برنامه ریزی می‌کند.

نه در کوبا، نه در ویتنام و نه در قبرس حکومت‌ها از چنین مختصاتی برخوردار نیستند. در قبرس تمام مسأله این است که در چارچوب دمکراسی پارلمانی و نظام سرمایه‌داری، فردی از یک حزب رویزیونیستی از جنس احزاب برادر و آبرو باخته‌ای چون حزب توده، رئیس جمهور شده و حزب وی در پارلمان این کشور نیز از نفوذ برخوردار شده است! و در حال حاضر هم سرگرم اجرای سیاست‌های طبقه سرمایه‌دار حاکم بر این کشور است و این مطلقاً هیچ ربطی به حکومت طبقه کارگر و هیچ وجه تشابهی با آن ندارد. اما این هنوز تمام مکنونات قلبی تنظیم‌کنندگان بیانیه مشترک را بیان نمی‌کند. آن‌ها نه تنها به حکومت‌هایی از این دست، بلکه حتا به داشتن "چند وکیل و وزیر" در دولت‌های سرمایه‌داری و پارلمان‌های بورژوازی نیز راضی هستند و از کارگران می‌خواهند حکومت‌ها و رژیم‌های اروپایی و آمریکایی مانند انگلیس و فرانسه و آلمان و پرو و برزیل را الگوی خود قرار دهند! درست زمانی که کارگران کشورهای اروپایی علیه دولت‌ها و سیاست‌های حاکم در این کشورها یکپارچه به پا خاسته‌اند، تنظیم‌کنندگان بیانیه به شیوه محبوب و تشکل‌های جاسوسی و حکومتی از کارگران می‌خواهند به سبک کشورهای اروپایی و کیلی به مجلس بفرستند، وزیری برای خود دست و پا کنند و می‌کوشند اهداف و مطالبات طبقه کارگر را در حد اهداف و مطالبات خانه کارگر جمهوری اسلامی تنزل دهند.

هر کارگری از جمله هر کارگر اروپایی حق دارد این پرسش‌ها را در برابر تنظیم‌کنندگان بیانیه مشترک قرار دهد که مگر همین دولت‌ها در کشورهای اروپایی نیستند که سیاست‌های اقتصادی ضد کارگری و ریاضت اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشته‌اند؟ مگر همین دولت‌های حاکم در کشورهای اروپایی نیستند که برای نجات نظام سرمایه‌داری از بحران، تمام بار آن را بر دوش کارگران انداخته‌اند؟ چه کسی میلیون‌ها کارگر را در عرض دو سه سال اخیر اخراج و از کار بیکار کرده است؟ چه کسی دستمزدهای کارگری را منجمد ساخته است؟ چه کسی از مزایا و حقوق کارگران زده است؟ چه کسی حقوق کارگران شاغل و بازنشستگان را مورد تعرض قرار داده است؟ مگر همین حکومت‌های اروپایی دستاوردهای چند ده ساله کارگران این کشورها را مورد دست‌اندازی و یورش قرار نداده‌اند؟ مگر میلیون‌ها کارگر در این کشورها در اعتراض به این تعرضات و سیاست‌ها بارها و بارها دست به اعتصاب زده‌اند، به تظاهرات و راهپیمایی در صدها شهر اروپا نپرداخته‌اند؟ فلان عضو پارلمان و فلان وزیر در این کشورهای اروپایی چه گلی بر سر کارگران این کشورها زده‌اند که تنظیم‌کنندگان بیانیه از کارگران ایران می‌خواهند در مجلس و دولت ارتجاع اسلامی وکیل و وزیر داشته باشند؟ تنظیم‌کنندگان بیانیه، افزون بر این "رهنمودها" هنگام اظهار فضل پیرامون سندیکای ت.ژ.ت فرانسه نیز اطلاعات نادرست و به کلی غلطی به خواننده می‌دهند. بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دو جریان دیگر ادعا می‌کند که "سندیکای ت.ژ.ت اکثر شوراهای و شهرداری‌ها را تصاحب کرده است!"

هرکس مختصر اطلاعاتی در مورد ساز و کار انتخابات شوراهای شهر و شهرداری‌ها در فرانسه داشته باشد این را می‌داند که نه سندیکای ت.ژ.ت و نه هیچ سندیکای دیگری در انتخابات شوراهای شهر و شهرداری‌ها مستقیماً شرکت نمی‌کند. در فرانسه، این احزاب سیاسی هستند که برای اعضای شوراهای شهر و شهرداری‌ها نامزد معرفی می‌کنند و نه سندیکاها. البته این امکان وجود دارد که یک عضو شورای شهر و یا شهرداری در عین حال عضو فلان سندیکای کارگری یا غیر کارگری باشد، اما وقتی عضو شورای شهر یا شهرداری است، به صفت فردی یا حزبی‌ست، نه سندیکایی! برخورد به جزئیات این بیانیه مشترک از حوصله این نوشته خارج است. همچنین فرصت نیست عملکرد دو ساله سندیکای ت.ژ.ت و بوروکراتیسم حاکم بر آن و سندیکاهای مشابه آن را مورد بررسی قرار دهیم اما در هر حال ضروری است به این نکته اشاره کنیم که محرومیت کارگران ایران از تشکل‌های طبقاتی و نداشتن حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری ولو در حد ت.ژ.ت یک چیز است، تحریف و اطلاعات دروغ در مورد نقش و وزن فلان سندیکا یک چیز دیگر!

روشن است که این‌گونه اظهار نظرها و موضع‌گیری‌ها هیچ ربطی به کارگران و طبقه کارگر ایران ندارد و باید به شدت با آن مبارزه و آن را افشاء و طرد نمود. این خرده فرمایشات رویزیونیستی نه فقط با مواضع تا کنونی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های مجزا و مشترک پیشین آن خوانائی ندارد و به کلی با آن مغایر است، بلکه با اطلاعیه مجزائی که علی‌نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکا در یازده اردیبهشت ۹۲ انتشار داد و حتا با اطلاعیه مورخ ۹۲/۲/۸ رضا رخشان رئیس هیئت مدیره این سندیکا - که گرایش راست درون سندیکا را نمایندگی می‌کند - نیز همخوانی ندارد. بنابراین اگر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه آگاهانه امضای خود را پای این بیانیه گذاشته باشد، نسبت به مواضع تا کنونی خود، آشکارا گامی به پس برداشته است! در هر حال طبقه کارگر ایران با این تَرَها و توجیه‌گران نظام سرمایه‌داری و تلاش‌هایی که در اساس هدفش حفظ نظم سرمایه‌داری و نابرابری‌ها و ستمگری‌های موجود است، به هیچ‌وجه سرسازش ندارد. چنین اظهار نظرها و موضع‌گیری‌هایی که به قصد آلوده سازی و فاسد کردن ذهن کارگران از درون جنبش کارگری سر بلند کرده است، از گنداب یک گرایش و نظریه رویزیونیستی سرچشمه می‌گیرد که همه جا لطمات جدی و جبران‌ناپذیری بر جنبش طبقاتی کارگران و طبقه کارگر وارد ساخته است. تشکل‌های کارگری باید حساب خود را از این توجیه‌گران نظم ارتجاعی حاکم جدا کنند و به ویژه باید استقلال خود را از این گونه گرایش‌ها و محافل و سازمان‌ها و احزاب منتسب به آن‌ها حفظ کنند. نیاز به گفتن نیست که تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری به ویژه در اول ماه

مه باید بتوانند وارد اتحاد عمل شوند و قطعنامه و بیانیه مشترک صادر نمایند، اما هیچ فعال کارگری و کارگر آگاهی نباید اجازه دهد که در پوشش یک اتحاد عمل، مشتی اظهار نظرهای بی ربط به اول ماه مه و مغایر اهداف و منافع طبقه کارگر مطرح گردد، راه و رسم سازش طبقاتی ترویج، و برای تمکین و رضایت طبقه کارگر به نابرابری‌ها و وضعیت موجود، توجیه‌تراشی شود. اول ماه مه روز مبارزه کارگران و روز اتحاد و همبستگی طبقه کارگر علیه تمام سرمایه‌داران و استثمارگران ریز و درشت در سراسر جهان است. اول ماه مه روز تجلی اراده واحد طبقه کارگر برای براندازی و نابودی ستم و استثمار است و وظیفه انترناسیونالیستی و پرولتاری به ما حکم می‌کند که از مبارزه کارگران در سراسر جهان علیه نظم سرمایه‌داری حمایت کنیم. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که از درون ده‌ها اعتصاب بزرگ هزاران کارگر این شرکت و پرداخت هزینه زیاد پس از سال‌ها درد و رنج و تلاش شبانه روزی فعالان این سندیکا جوانه زد، از معدود تشکلهائی‌ست که از بهترین اعتبار و اعتماد در بین کارگران و در جنبش کارگری برخوردار شده است. اکنون فعالان این سندیکا باید به این پرسش پاسخ دهند که با چه استدلالی امضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را پای چنین بیانیه‌ای گذاشته‌اند و اعتبار سندیکای کارگران این شرکت را خدشه‌دار ساخته‌اند؟ چنانکه گفتیم، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با امضای این بیانیه، گامی به پس گذاشته است، اما این واپس‌گرایی فقط به سندیکای کارگران هفت تپه محدود نمی‌شود. به اعتبار توده‌ای بودن این سندیکا و جایگاه آن در جنبش کارگری، باید گفت که جنبش کارگری نیز گامی به پس نهاده است. از موضوع اصلی دور افتادیم، به مراسم‌های اول ماه مه بازگردیم و مطلب را جمع‌بندی کنیم.

جمع‌بندی: بررسی مختصر ما از مراسم‌های اول ماه مه در سال ۹۲، نشان دهنده این واقعیت است که مراسم‌های روز جهانی کارگر، هم به لحاظ تعداد برگزاری این مراسم و هم به ویژه از لحاظ شمار کارگران شرکت کننده در آن روندی کاهش یابنده را طی کرده است. در تهران و شهرهای اطراف آن که هر ساله مراسم‌های متعددی برگزار می‌شد، جز مراسم ابتکاری و برجسته اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و تجمع چند ده نفره در برابر مجلس، مراسم دیگری برگزار نشد. امسال نه فقط از گلگشت‌های کارگری و برگزاری مراسم اول ماه مه با حضور کارگران کارخانه‌های مختلف و اعضای خانواده آن‌ها که شمار شرکت کنندگان به هزار و بالای دو هزار نفر می‌رسید خبری نبود، بلکه حتی از مراسم‌های متعددی که در سال‌های گذشته در سالن‌ها و محیط‌های دربسته‌ای چون تالار یاقوت واقع در خیابان کارگر، سالن باختر واقع در ضلع جنوب غربی میدان انقلاب، تالار پیام واقع در جاده ساوه، باشگاه همت‌آباد، فرهنگسرای کار و امثال این‌ها، با حضور صدها کارگر برگزار می‌شد نیز اثری نبود. غیر از این، از کمیته‌ها و شوراهای برگزاری مراسم اول ماه مه که از سال ۸۳ به بعد، سازماندهی برگزاری مراسم‌های اول ماه مه را برعهده می‌گرفتند نیز خبری نبود. در کردستان نیز مراسم‌های اول ماه مه جز در یکی دو مورد که در شهرها و با حضور پرشمار کارگران برگزار شد، اکثر مراسم‌های اول ماه مه در بیرون از شهرها برگزار گردید که تعداد معدودی از فعالان کارگری و کارگران در آن شرکت داشتند. به یک معنا مراسم‌های اول ماه مه که قبلاً با جمع‌های وسیع‌تر و پر شمارتر و در محیط‌های باز و علنی برگزار می‌شد، به مراسم‌هایی با جمع‌های کم عده‌تر و نیمه علنی مبدل شده است. این روند که آغاز آن به سال ۹۰ برمی‌گردد، در واقع عکس روندی است که برگزاری مراسم‌های اول ماه مه از سال ۸۳ به بعد تا سال ۹۰ طی کرده است. در یک کلام مراسم‌های اول ماه مه سال ۹۲، به استثنای مورد شرکت واحد در تهران و مراسم سنندج و تا حدودی سقز، چه از لحاظ سازماندهی و چه از نظر کمی و شمار شرکت کنندگان با سال‌های اولیه دهه هشتاد و قبل از ۸۳ قابل مقایسه است و به یک عبارت از جهاتی، تا حد آن سال‌ها پس رفته است. اتحاد عمل‌های کارگری در اول ماه مه که با حضور محوری دو سندیکای کارگری یعنی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در سال‌های ۸۸ و ۸۹ در اوج خود بود و قطعنامه‌های مشترکی به مناسبت اول ماه مه با امضای ده تشکل کارگری و تشکل فعالان کارگری انتشار می‌یافت، از سال ۹۰ که این دو سندیکا در این اتحاد عمل از هم جدا شدند رو به کاهش نهاد. متأسفانه علل و عوامل این روند از سوی فعالان کارگری و سیاسی مورد بررسی قرار نگرفت و به رغم حساسیت و هوشیاری و هشدار برخی از فعالان کارگری و سیاسی و انتقاد از این روند، موانع اتحاد عمل کارگری بر سر اول ماه مه نه تنها برطرف نشد، بلکه این روند سال به سال تشدید گردید. امضا کنندگان قطعنامه‌های اول ماه مه در سال ۸۸ و ۸۹، در سال ۹۰ دو تکه و سال ۹۱ سه تکه شدند. تفرق و جدائی در میان تشکلهائی که اتحاد عمل‌های کم‌نظیری را در اول ماه مه سال‌های ۸۸ و ۹۰ سازمان داده بودند و قطعنامه‌های مشترک رادیکال و سوسیالیستی انتشار داده بودند، سرانجام به جایی رسید که در سال ۹۲ حتی یک اتحاد عمل ولو در عرصه صدور قطعنامه و بیانیه واحد و مشترک هم صورت نگرفت. به بیان دیگر جنبش کارگری در زمینه اتحاد عمل کارگری در اول ماه مه نیز دچار پس رفت شد! فعالان کارگری و سیاسی، و کارگران آگاه و پیشرو نمی‌توانند و نباید نسبت به این روندها بی اعتنا باشند بلکه وظیفه دارند این روندها را مورد مطالعه قرار دهند، علل و عوامل این پس‌رفت‌ها را بررسی و آن را ریشه‌یابی کنند.

صرف‌نظر از فشارهای اقتصادی و شرایط فوق‌العاده دشوار معیشتی که طبقه حاکم بر کارگران ایران و پیشروان آن تحمیل نموده است و صرف نظر از شرایط اختناق هولناک و سرکوب بیرحمانه‌ای که رژیم سیاسی پاسدار منافع طبقه سرمایه‌دار

بر کارگران ایران و رهبران و فعالان کارگری تحمیل نموده و آن‌ها را به چهار میخ کشیده است، پراکندگی در دناکی که از ناحیه بی تشکلی و بی سازمانی و بی حزبی بر کارگران ایران و جنبش کارگری تحمیل شده است نیز تأثیرات منفی بلاواسطه‌ای بر کم و کیف مبارزات کارگران و منجمله تأثیرات منفی بر برگزاری مراسم‌های اول ماه مه گذاشته است. غیر از این عوامل بسیار مهم و اصلی که خارج از اراده طبقه کارگر و فعالان جنبش کارگری بر این جنبش تحمیل گشته است، در این جا باید به یک علت بزرگ دیگر که دامن زنده این جدائی‌ها و پراکندگی‌هاست نیز اشاره کرد. این علت بزرگ همانا ترکیب تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری و جدائی آنان از توده کارگران است. اساس مسأله این است که تشکل‌های کارگری بخشاً از توده کارگران جدا افتاده یا ارتباط آن‌ها با توده کارگران تضعیف شده است. تشکل‌های فعالان کارگری نیز در میان توده کارگران فاقد نفوذ هستند و از ارتباط و پیوند ارگانیک در محیط‌های کار و تولید محروم‌اند. نه پایگاه قابل توجهی در میان کارگران دارند و نه قدرت بسیج کارگران را! روشن است که برگزاری مراسم‌های مستقل و توده‌ای اول ماه مه، در گرو بسیج توده کارگران است و بسیج توده کارگران در گرو پیوند نزدیک رهبران تشکل‌های کارگری با بدنه و حضور فعالان کارگری در محیط‌های کار و تولید و سازماندهی کارگران است. بنابراین یکی از علل مهم تبدیل مراسم‌های اول ماه مه به مراسم‌های کوچک و گروه‌های کم عده و جمع‌های محدودی که گاه تقریباً به مراسم‌های خاص فعالان کارگری تبدیل می‌شود، جدائی رهبری تشکل‌های کارگری از بدنه و فقدان پیوند ارگانیک میان فعالان کارگری با کارگران در محیط‌های کار و تولید است. این ضعف بزرگ که خود را در مراسم‌های محدود و کم عده و قطعنامه‌های مجزا به مناسبت اول ماه مه امسال نیز نشان داد، در عین حال یکی از علت‌های اصلی و اساسی تجزیه و تفرق در میان تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری نیز هست. تشکلی که رهبری آن با بدنه پیوند تنگاتنگ داشته باشد، از سوی بدنه کنترل می‌شود. تشکلی که در محیط کار و کارخانه ایجاد شده باشد، از پائین و از سوی کارگران قابل کنترل است. یک هسته سرخ کارخانه و یا یک کمیته کارخانه که عموماً آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران در آن متشکل می‌شوند، در محیط کار و ارتباط روزمره خواست‌های واحدی دارند و جریان مبارزه و رو در روئی با کارفرما و مدیر و سرمایه‌دار، آن‌ها را کنار هم قرار می‌دهد. تولید، کار، و مبارزه مشترک، جای زیادی برای مناقشات بی حاصل درونی باقی نمی‌گذارد و منافع واحد طبقاتی آن‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد. تشکل‌هایی که بیرون از کارخانه شکل می‌گیرند اما چنین نیستند و قضیه برعکس است. بی ارتباطی با توده طبقه کارگر، مناقشات بی پایانی را می‌تواند سبب شود. تشکلی که در بیرون از کارخانه شکل گرفته است اگر نتواند خود را به دریای کارگران متصل سازد، اگر نتواند کارگران را به صفوف خود جذب کند و اگر نتواند کارها را به دست کارگران آگاه و پیشرو و رهبران عملی و مورد اعتماد کارگران بسپارد، در حد تشکلی جدا از کارگران و محروم از پشتوانه ضروری و نیروی کنترل کننده خود باقی می‌ماند. این چنین تشکلی ولو آنکه غیر از عناصر روشنفکر، ندرتاً کارگرانی را هم در صفوف خود داشته باشد، در عمل به تشکلی جدا از کارگران و تدریجاً به تشکلی متشکل از نخبگان تبدیل می‌شود. گفتن ندارد که در چنین تشکل‌هایی گرایش‌های روشنفکری عرصه تاخت و تاز پیدا می‌کنند و انفرادگرایی حرف اول را می‌زند. اغلب تشکل‌های فعلاً موجودی که لااقل می‌توانستند و یا می‌توانند در اول ماه مه وارد اتحاد عمل شوند متأسفانه از این ضعف که به یک خصیصه تبدیل شده رنج می‌برند. در غیاب بدنه کنترل کننده و فقدان پیوند با توده کارگران، هیچ فشاری از این سمت که می‌توانست آن‌ها را به اتحاد عمل هدایت کند وجود ندارد، برعکس ساختار و بافت این تشکل‌ها، فردگرایی، بزرگ کردن اختلافات کوچک و عمده کردن مسائل و منافع گروهی و محفلی در برابر منافع واحد طبقه کارگر را دامن می‌زند. این تشکلی و پراکندگی و جدائی میان تشکل‌ها که به طور بارزی خود را در اول ماه مه نشان داد، در خود تشکل‌های مجزا نیز بروز می‌کند. به عبارت دیگر این ضعف بزرگ و اصلی نه فقط انفرادگرایی در سطح تشکل‌ها را دامن زده است، بلکه در بین افراد هر تشکل مجزاً نیز تشدید گشته است. در این میان البته نباید تلاش‌های مذبوحانه و خرابکاری‌های رژیم و عوامل رنگارنگ آن را در ایجاد اختلاف و تشکلی و تفرق در میان کارگران و تشکل‌های موجود نادیده گرفت. جمهوری اسلامی که از تشکل و اتحاد کارگران فوق‌العاده وحشت دارد، در همه حال سعی کرده است هر تشکل کارگری را که خود کارگران و یا فعالان کارگری ایجاد کرده‌اند در نطفه خفه کند. چنانچه نتوانسته باشد مانع از شکل‌گیری تشکل کارگری شود، آنگاه با سرکوب و شلاق و زندان کارگران پیشرو و فعالان کارگری سعی می‌کند آن را قلع و قمع کند و اگر باز هم موفق نشد می‌کوشد با شیوه‌های رذیلانه‌ای از تطمیع و تهدید گرفته تا نفوذ دادن عوامل خود در این تشکل‌ها، ایجاد اختلاف و تفرق کند، آن را از درون تهی ساخته یا از هم بپاشاند!

به هر رو اگر بخواهیم پس‌رفت‌هایی را که در اول ماه مه شاهد آن بودیم جبران و آن را به پیش‌رفت تبدیل کنیم هیچ راه دیگری نداریم جز آنکه به کارگران که تشنه آگاهی و سازماندهی هستند مراجعه کنیم. مجدانه به سازماندهی کارگران در محل کار و تولید روی آوریم و هسته‌های سرخ و کمیته‌های کارخانه را ایجاد و تکثیر کنیم. جز این باشد، این پس‌رفت‌ها تمدید و تشدید خواهد شد و جنبش کارگری را منجمله در عرصه برگزاری مراسم‌های اول ماه مه بیش از این به عقب خواهد برد. البته این موضوع را نیز باید در نظر داشت که اوضاع سیاسی کشور و تحولاتی که در عرصه سیاسی کشور به وقوع بپیوندد می‌تواند تأثیرات مستقیمی نیز بر جنبش کارگری بگذارد. فرضاً تحولات سیاسی احتمالی در درون حکومت به

نحوی که طبقه حاکم در کنترل جامعه دچار ضعف و ناتوانی شود یا از دامنه سرکوب و خفقان کاسته و گشایشی در فضای سیاسی جامعه ایجاد شود و یا مهم‌تر از این‌ها چنانچه جامعه دچار تحولات سیاسی انقلابی شود، در چنین موقعیتی جنبش کارگری می‌تواند این پس‌رفت‌ها را به سرعت جبران کند.

* بند کار - درمانی زندان مرکزی تبریز، یکی از بندهای سه‌گانه متادون این زندان است که زندانیان روزانه باید هشت ساعت در کارگاه‌های تریکو بافی و کفاشی زندان کار کنند که در ازای آن تنها دو هزار تومان مزد می‌گیرند. این در حالی‌ست که تولیدات کارگران زندانی، در فروشگاه‌های بزرگ در مناطق مرکزی تبریز به قیمت‌های هنگفتی به فروش می‌رسند.

نقل از نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) - شماره ۶۴۵ نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۹۲